

به جای خودکشی سرمایه را بکشیم!

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

جمعه بیست پنجم مرداد ۱۳۸۷

آنچه رخ داده بسی هولناک تر از آن است که به بیان درآید. ماجرا به زندگی فاجعه بار کارگران صنایع مخابراتی راه دور مربوط می شود که به نوبه خود نمونه گویایی از وضعیت بسیار رقت بار همه توده های طبقه کارگرایران است. «علی کیامرثی» کارگری که ۵ ماه تمام هیچ دستمزدی دریافت نکرده است زیر فشار فقر و بدهکاری و گرسنگی زن و فرزند و در شرایطی که همه درهای امید به زندگی را بر روی خود بسته میدید دست به خودکشی زد. او هنگام کار، به دور از چشم همزنجیران خویش، به سرعت از پلکان منبع آب کارخانه بالارفت و از بالاترین نقطه آن خود را حلق آویز کرد.

تمام ۱۲۰۰ کارگر کارخانه صنایع مخابراتی راه دور در استان فارس وضعیت وخیم و دردناک علی کیامرثی را دارند. همه آنان حدود نیم سال است که مرتب برای سرمایه دار صاحب کارخانه کار کرده و به وحشیانه ترین شکل استثمار شده اند، اما در قبال این کار هیچ مزدی نگرفته اند. این وضع اصلا خاص کارگران این کارخانه هم نیست. صدها هزار و شاید میلیون ها کارگر در جامعه ما با این معضل دست به گریبان هستند. کیامرثی و کیامرثی ها ده ها سال برای سرمایه کار کرده اند و توسط سرمایه استثمار شده اند. آنچه امروز نظام سرمایه داری بر اینان و افراد خانواده های آنان تحمیل کرده بدون شک از نوع فجیع ترین جنایاتی است که جامعه طبقاتی در طول تاریخ بر بشریت اعمال کرده است.

سؤال اساسی این است که در برابر این جنایت چه باید کرد؟ حجم سرمایه ای که طبقه سرمایه دار ایران و عمال دولتی و عمله و اگره نظام سرمایه داری از طریق استثمار مرگبار ما کارگران، به یمن نیروی کار شبه رایگان ما، با ماه ها کار بدون دستمزد ما، بر روی هم انباشته اند سر به فلک می زند. کل این سرمایه ها را کیامرثی ها و همزنجیران و همسرنوشتان ما تولید کرده اند. علاوه بر سرمایه ها، همه برج و باروها، ویلاها، آسمانخراش ها و کهکشان عظیم امکانات رفاهی که در اختیار سرمایه داران است همه حاصل کار ما کارگران است. این همان داستانی است که کارگران خود به زبان عامیانه آن را این گونه بیان می کنند: کار کردن خر، خوردن یابو! این وضع تا کی قرار است ادامه پیدا کند؟ تا کی باید توده های طبقه ما جهان سرمایه ها را خلق کنند و خود ۵ ماه ۵ ماه یک ریال هم بابت بهای نیروی کارشان دریافت نکنند؟ تا کی باید کوهساران عظیم سرمایه ها را ما تولید کنیم و خود زیر فشار گرسنگی و برهنگی و آوارگی فرزندانمان دست به خودکشی بزنیم؟ بسیاری از ما در هر کجا که هستیم اعتراض و مبارزه می کنیم. بسیاری از ما بارها اعتصاب کرده و چرخ کار و تولید را متوقف ساخته ایم. همزنجیران ما در نیشکر هفت تپه روزهای پی درپی به راهبندان جاده های مهم تجاری و حمل و نقل روی آوردند. همسرنوشتان ما در لاستیک البرز بارها همین کار را کردند. بخش های زیادی از توده های طبقه ما با تحمل دنیایی گرفتاری از شهرهای دور راهی تهران می شوند تا خشم و قهر و اعتراض خود را در مقابل نهادهای دولتی سرمایه به نمایش بگذارند. ما همه این کارها را انجام داده ایم. اما به طور واقعی هیچ نتیجه ای نگرفته ایم. وضع ما هر روز از روز پیش بدتر شده است. شمار بیکاران طبقه ما با سرعتی هولناک در حال افزایش است. کارخانه ها پشت سر هم تعطیل می شوند و ما را فوج فوج به کویر

خشک بیکاری و گرسنگی و فقر و فلاکت پرتاب می کنند. همزمان، در مقابل این دنیای فقر و بندگی دنیای ثروت آفریده شده توسط خود مان را می بینیم که روز به روز و حتی لحظه به لحظه عظیم تر و عظیم تر می شود. آیا به راستی وقت آن نرسیده که همه ما درباره این وضعیت و سرانجام آن و این که چه کنیم و چگونه می خواهیم زنده بمانیم و برای زنده ماندن چه راهی را باید انتخاب کنیم به صورت جدی فکر کنیم؟ به نظر ما برای این کار دیر هم شده است و باید با شتاب هر چه بیشتر دست به کار شویم. به نظرمی رسد که بسیاری از ما پی برده یا دست کم حس کرده ایم که شکل تا کنونی اعتراضات و مبارزاتمان چاره ساز نبوده است. جدا جدا و صدتا صدتا یا حتی هزارتا هزارتا در این کارخانه و آن کارخانه هر چه هم که فریاد سر دهیم، هر چه اعتصاب کنیم و هر چه راه این و آن نهاد دولتی را پیش گیریم کاری از پیش نمی بریم. اکنون دیگر در بسیاری موارد اعتصاب صرف هیچ گرهی از معضل ما را باز نمی کند. اگر قرار است از این وضعیت خارج شویم، اگر قرار است زنده بمانیم و زندگی کنیم، اگر قرار است کودکانمان زیر فشار گرسنگی در برابر دیدگانمان تسلیم مرگ نشوند، اگر بناست زنان طبقه مان برای نان خالی فرزندانشان مجبور به تن فروشی نشوند، اگر بناست هر روز چندین کیمرتی دیگر دست به خودکشی نزنند، باید راه های جدیدی برای مبارزه خویش انتخاب کنیم. مبارها نظر خود را درباره این راه های جدید اعلام کرده ایم و در اینجا نیز رئوس کلی آن را یک بار دیگر بیان می کنیم:

۱- به صورت شورایی و سراسری متشکل شویم. قدرت پیکار خود را که در حال حاضر متفرق و پراکنده است در یک سازمان سراسری ضد سرمایه داری متحد و متمرکز سازیم.

۲- "منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران" را نقطه عزیمت تلاش برای سازمانیابی و اتحاد سراسری شورای خود سازیم. تحمیل همه بندهای این منشور بر طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری را دستور کار مبارزه متحد و سازمان یافته طبقاتی خود قرار دهیم.

۳- از صرف اعتصاب و تجمع و اعتراض در مقابل نهادهای دولتی فراتر برویم. کارخانه های در معرض تعطیل را تصرف کنیم. جنبش سراسری تصرف کارخانه ها را سازمان دهیم. ما تنها در صورتی می توانیم خواسته های خود را بر نظام سرمایه داری تحمیل کنیم که قادر به اعمال قدرت تعیین کننده و سرنوشت ساز باشیم. اعتصاب در کارخانه های در حال تعطیل راهکار مناسب اعمال قدرت ما نیست. باید به طور سراسری کارخانه ها را به تصرف خود در آوریم و برنامه ریزی کار و تولید را توسط شوراهای خود به دست گیریم.

۴- اگر چنین کنیم، اگر همه ما کارگران در مراکز مختلف کار و تولید، از آب و برق و نفت و گاز و حمل و نقل گرفته تا مدارس و بیمارستان ها و خودروسازی ها و انبوه کارخانه های در حال تعطیل دست به دست هم دهیم، اگر شورایی و ضد سرمایه داری متشکل شویم، یقین داشته باشید که کوه قدرت سرمایه را از جای خواهیم کند. ما همه مشکلات سر راه اداره کارخانه ها را از پیش پای خود بر خواهیم داشت و به سوی پیروزی پیش خواهیم رفت.

۵- اگر سراسری و شورایی و ضد سرمایه داری سازمان یابیم، اگر تصرف کارخانه ها را دستور کار جنبش خود سازیم، راه واقعی مبارزه طبقاتی را پیدا کرده ایم. در آن صورت، آگاهانه تر، متحدتر، متشکل تر و با افق تر علیه سرمایه خواهیم جنگید و در ادامه این جنگ بنیاد بردگی مزدی را درهم خواهیم کوبید. ریشه استثمار و فقر و بی حقوقی و ستم و همه سیه روزی ها را خواهیم کند و جامعه ای سرشار از رفاه و برابری و آزادی بر پا خواهیم داشت.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم! کمیته هماهنگی (منطقه تهران) - ۲۳ مرداد ۸۷ www.hamaahangi.com